**پیامدشناسی فرهنگی، اجتماعی و امنیتی ناشی از كاهش جمعيت**

دكتر سيدمحمدرضا رشیدی آل‌هاشم[[1]](#footnote-1)

**چكيده**

هدف مقاله حاضر مطالعه و معرفی آسيب‌هاي ناشي از كاهش جمعيت در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی و امنيتی در جمهوري اسلامي در دهه‌های اخیر است. روش اين مقاله، اسنادي، جمعيت‌شناختي و كتابخانه‌اي است كه كاهش جمعيت و آسيب‌هاي ناشي از آن، در مقوله‌هاي پيري جمعيت، كاهش باروري و سبك زندگي غربي مطالعه شده است. آمارهاي سرشماری‌هاي اخیر كشور، بيان‌گر كاهش جمعيت از 1/2، یعنی پایین‌تر از میزان لازم برای تجدید نسل بود كه نشان‌دهنده كاهندگي جمعيت و پايين بودن باروري است. در سرشماری سال 1395، این رقم به 24/11 کاهش یافته است. برآيند این پژوهش پيري جمعيت است، به‌گونه‌ای كه افزايش پيري جمعيت در ايران در بازه زماني بيست‌ساله از رقم 7% به رقم 14%0 افزایش مي‌یابد و با روند كنوني در سال 1420 رقم پيري جمعيت به 22 % مي‌رسد. بر این اساس، كشور به‌زودي با پیامدهایی مانند افزایش هزينه‌هاي رفاه و خدمات بهداشتي ناشي از سالمندي جمعيت روبه‌رو می‌شود. پايين آمدن آمار ازدواج و افزايش سن ازدواج از 18 به 5/23 سال براي دختران و همین‌گونه تجرد قطعی بخشی از جمعیت دختران در سن باروری و رواج فرهنگ تك‌فرزندي، نقشه و طرح استعماري مي‌باشد و بيان‌گر سبك و شيوه زندگي فردگرايانه و انسان‌مدارانه است كه در جست‌وجوي رفاه، امكانات، ثروت و لذت مادي است و با سبك زندگي ديني مانند ايثار، گذشت، هم‌ياري و تلاش براي آسايش ديگران در تعارض است. همچنین اشتغال زنان با هدف استقلال مالي از آقايان در جهت اقتدار جنسيتي در سبد فرهنگي زندگي دنيامدارانه غرب قرار دارد. برروی هم‌، تغيير تركيب سني، جنسي و مذهبي نقشه دشمنان انقلاب اسلامی به‌شمار می‌رود.

**واژگان كليدي**: كاهش جمعيت، امنيت پايدار، پيري جمعيت، باروري و سبك زندگي.

**1- مقدمه**

در تاريخ سده‌های اخیر، استعمارگران دنياي نو به دنبال چپاول و غارت ثروت مادي و معنوي ملت‌ها بوده‌اند. با وجود این، هويت و سرمایه‌های اجتماعی و معنوی ملت‌ها، مانعی بر سر راه چپاول ثروتشان به دست استعمارگران بوده است. براي اينكه ملت‌ها از چپاول ثروت‌هاي مادي‌‌شان بي‌خبر باشند و دشمنان را به خوان نعمت‌هاي‌شان دعوت كنند، بايد دگرانديش شده و از انديشه، ثروت و هويت‌هاي خود خالي شوند. داستان حاضرِ جهاني‌سازي، در واقع بازتعريف ملت‌ها از نظر فرهنگي، در قاموس استعمار است. از نشانه‌های همرنگ‌سازی و هم‌گراسازی با جهان استعمار، داستان ساختگي جهاني شدن و بایسته‌های آن است. كاهش جمعيت و دگرگونی در شكل، ماهيت و اندازه خانواده، هم‌رنگ شدن با دشمن و هم‌آوازي با او، برای بی‌ارزش‌ساختن عناصر فرهنگ خودي است. یکی از پیامدهای جهانی‌سازی که با ادبیات و قدرت نرم به ملت‌ها القا می‌شود برخورد فرهنگی است که به پیروی آن مرزها و فضاهای فرهنگی، ارزشی و هنجاری ملت‌های گیرنده فرو می‌ریزد و پیامد چنین برخورد فرهنگی، ذوب شدن در فرهنگ بزرگ‌تر است (گل‌محمدی، 1381).

در حالي كه، بسياري از مسائل و مشكلات موجود جمعيتي در كشور، مانند حاشيه‌نشيني و مهاجرت، مولود عامل‌های ديگري چون توزيع نامناسب امكانات و تراكم جمعيت در اثر مهاجرت‌هاي بي‌رويه است و بسياري از روستاها و شهرهاي كوچك خالي از سكنه شده‌اند، مبدأ و مقصد هم از مهاجرت‌های بی‌هدف زیان دیده‌اند (رشیدی‌آل‌هاشم، 1391، ص2). ما همانند گذشته، همواره ظاهربيني و فرماليته بودن را پيشه كرده‌ايم و مانند سال‌هاي نخست رودررویي‌مان با غرب، كه پيشرفت‌هاي آنها را در امور ظاهري‌شان ديديم و كپي‌برداري‌هاي عجولانه كرديم و نسبت به داشته‌هاي اعتقادي، هويتي و ملي‌مان بدبين شديم، امروز نيز با خواست خود در فضاي بازي دشمن قرار گرفته‌ايم و پازلي از هدف‌های آنها را پر مي‌كنيم و راهبردها و چشم‌اندازهاي دشمن براي تسخير فرهنگي‌مان را عملياتي مي‌كنيم. افزايش جمعيت برخلاف خواست دشمن، در صورت برنامه‌ريزي‌هاي عالمانه مي‌تواند ما را در راستاي هدف‌های اقتصادي، علمي، سياسي و امنيتي‌مان ياري دهد و جمعيت با كيفيت و با سواد، با تخصص‌هاي گوناگون علمي، فني، دفاعي و امنيتي، موهبتي براي رشد و پيشرفت اين سرزمين است. پيري چيزي جز سستي، خمودگي و مرگ نيست. مقام معظم رهبري(مدظله‌العالی) در اين مورد فرموده‌اند: «...كه مسئله تحديد نسل از اواسط دهه هفتاد به اين طرف بايد متوقف مي‌شد ... مسئولين كشور در اين اشتباه سهيم‌اند... با اين روند كنوني اگر ما پيش برويم ... كشور پير خواهد شد. خانواده‌ها، جوان‌ها، بايد توليد مثل را زياد كنند. نسل را افزايش دهند. اين محدود كردن فرزندانمان در خانه‌ها، به اين شكلي كه امروز هست، خطا است» (مقام معظم رهبری، مدظله‌العالی، 19 مهر 1391). در مجموع مي‌توان عامل‌هاي فرهنگي همانند تحول‌هاي هويتي، چشم و هم‌چشمي‌ها و افزايش نگراني‌هاي تربيتي؛ عامل‌هاي اقتصادي مانند تورم، بيكاري، بي‌ثباتي، نگراني‌هاي اقتصادي و بالا رفتن هزينه زندگي و تربيت فرزندان؛ عامل‌هاي اجتماعي همچون شهرنشيني، تحرك اجتماعي زنان، تحول در ازدواج و طلاق؛ و عامل‌هاي سياسي مانند سياست‌گذاري و فرهنگ‌سازي دولت براي كاهش جمعيت را از تهديدهاي عمده براي نظام برشمرد که با امنيت پايدار اين مرز و بوم در ابعاد سخت و نرم آن در دشمني و تعارض است.

**2- بيان مسئله**

در سال‌هاي گذشته، سياست‌هاي کنترل جمعيت در کشورهاي رو به رشد به هدف‌گذاري‌هاي ناشي از نوگرايي نزديك شده، نرخ رشد جمعيت آنها کاهش يافته است. این پرسش بسیار مهم است که: آيا هدف‌گذاري‌ها بر پايه نوگرايي يا غربي شدن به صلاح اين كشورها است يا خیر؟. البته در ظاهر به نظر مي‌رسد کشورهاي پيشرفته توانسته‌اند برابر شاخص‌هاي مورد انتظار فرهنگ فردگرايانه[[2]](#footnote-2)، يعني لذت‌گرايي[[3]](#footnote-3)، منفعت‌طلبي[[4]](#footnote-4) و انسان‌مداري[[5]](#footnote-5) جلوي افزايش بيش از اندازه جمعيتشان را بگيرند، اما حقيقت اين است که کشورهاي پيشرفته، زنگ خطر را براي خود به صدا درآورده‌اند که با پايين آمدن بيش از اندازه نرخ رشد و پير شدن جمعيت، نرخ زاد و ولد آنچنان پايين آمده است که در آينده جبران آن آسان نيست و قهقراييِ اجتماعي و روند کاهشي جمعيت گريبانگيرشان خواهد ‌شد. از این‌رو، در اين کشورها به تازگي برانگيزاننده‌هاي زيادي براي افزايش جمعيت و زایش نوزادان در نظر گرفته‌ شده است. اين در حالي است كه سازمان‌های بین‌المللی و کشورهای استعمارگر، كشورهاي در حال رشد را به كاهش جمعيت تشويق مي‌کنند. به نظر مي‌رسد براي هضم كشورهاي رو به رشد در مسير جهاني‌سازي فرهنگي، بايد آنها در مسير ساختارهاي فرهنگي كشورهاي مركز قرار گيرند و كاهش جمعيت، دگرگونی‌های بنیان‌کَن خانواده، دگرگونی‌های تركيب جمعيت، پيري جمعيت و ديگر الگو‌هاي نو شدن و جهاني‌سازي و دگرگونی سبك زندگي این مسئله را آسان مي‌كند (جهان‌فر، 1386).

در حال حاضر جمعیت ایران، همانند بسیاری از کشورهای رو به رشد، در پي کاهش پيوسته و دامنه‌دار باروری و افزایش امید زندگی، دگرگوني‌هاي پایه‌ای و مهمی را در هرم سنی خود تجربه می‌کند که این دگرگوني‌ها پيامدهاي اقتصادی، اجتماعی، فرهنگي و امنيتي مهمی را به دنبال دارد. در دهه حاضر، جمعیت گروه سني زیر 15سال ‌رو به کاهش است و در برابر آن شمار جمعیت جوان و در سن کار‌ رو به افزایش نهاده است، همچنین سرعت سالخوردگی جمعیت با آهنگی شتاب‌آلود رو به افزایش است (سرشماری‌های نفوس و جمعیت 90 و 95).

از سوي ديگر، هر گونه رشد و پيشرفت و برنامه‌ريزي‌هاي كوتاه‌مدت و بلندمدت، به جمعيت با منبع‌های انساني جوان و متخصص در رشته‌هاي گوناگون نياز دارد كه با سياست‌ کاهش جمعيت هم‌خوانی ندارد. افزایش جمعیت جوان کشورهای اسلامی، به‌ويژه كشورهاي انقلابي و ساختارشكن در حوزه نظم بين‌المللي بر خلاف سياست‌هاي تقسيم كار سرمايه‌داري به‌شمار آمده، قدرت‌های استعماری به دیده خطر به آن مي‌نگرند. افزایش جمعیت مسلمانان به‌ويژه كشورهاي دشمن قدرت‌های استعماری، نگرانی مشترک آنها است. رشد منفی جمعیت نژاد اروپایی و زاد و ولد زیاد مسلمانان، می‌تواند در بسیاری از مناسبت‌های سیاسى، اجتماعى و اقتصادى کشورهای یاد شده اثر بگذارد. از این‌رو، به نظر مي‌رسد تهديدها و چالش‌هاي ناشي از كاهش جمعيت و پيامدهاي سبك زندگي و دگرگونی تركيب جمعيت در حوزه‌هاي گوناگون برنامه‌ريزي شده است که به شكل جهاني به آن دامن مي‌زنند (حسینی تهرانی، 1364). مقام معظم رهبري(مدظله‌العالی)‌ سياست‌هاي جمعيتي نویي بر پايه افزايش جمعيت را ابلاغ فرموده‌اند. بسياري از متخصصان و صاحب‌نظران با توجه به پيامدهاي سياست‌ کاهش جمعيت در کشورهاي رو به رشد، به اين برایند رسيده‌اند که اين سياست‌ها در کشور ما نيز بايد بازنگري شود. بر این اساس، پرسش اصلی مقاله این است: سياست‌هاي کاهش جمعيت چه آسيب‌هایي براي امنيت پايدار کشور به بار مي‌آورد؟

**3- اهميت و ضرورت**

با توجه به پيامدهاي امنيتي و هويتي ناشی از كاهش جمعيت، اين مقاله مي‌تواند به مسئولين امر در حوزه‌هاي سياست‌گذاري براي درك ژرفای پيامدهاي كاهش جمعيت یاری رساند و به اثرگذاری‌هاي ناشي از آن در پدید آمدن مشكلات سبك زندگي، دگرگونی‌های ساختار خانواده و پیامدهای ناشي از آن كمك كند.

**4- هدف اصلی**

- تبيين آسیب‌های فرهنگی، اجتماعی و امنیتی ناشی از کاهش جمعیت.

**5- هدف‌هاي جزئي**

- تبيين آسيب‌هاي فرهنگی، اجتماعی و امنیتی ناشي از پیری جمعیت.

- تبيين آسيب‌هاي فرهنگی، اجتماعی و امنیتی ناشي از باروری کم.

- تبیین آسیب‌های فرهنگی، اجتماعی و امنیتی ناشی از کاهش جمعیت در حوزه سبک زندگی.

- تبیین نقش استعمار و صهیونیسم در القای کاهش جمعیت به جمهوری اسلامی.

**6- ادبيات پژوهش**

**1-6. تعريف‌های مفهومي**

جمعيت: به مجموعه افرادي كه به يك‌ گونه وابستگی دارند و در مكانی مشخص زندگي مي‌كنند جمعيت گفته مي‌شود. در تعريف ديگر: جمعيت مجموعه افراد انساني است كه در منطقه‌ای ويژه (روستا، شهر، شهرستان، استان يا كشور) به گونه پيوسته و به شكل مجموعه‌اي از خانوارها زندگي مي‌كنند و پايگاه سياسي و وضعیت‌های ملي و قومي يكساني دارند (باقرزاده، 1385، ص2).

تعريف عملياتي: جمعيت در اين پژوهش همان جمعيت كشور ايران است كه در جغرافياي كشور ايران در سرشماري‌هاي جمعيت شمارش شده‌اند.

تعريف عملياتي كاهش جمعيت: در اين پژوهش كاهش جمعيت، رشد جمعيت پايين‌تر از 1/2 درصد است كه در آن امكان جايگزيني جمعيت پدر و مادرهای جمعیت سرشماری‌شده از سوي فرزندان وجود ندارد.

امنيت: در حال حاضر، امنيت عرصه‌هاي نويني را دربرمی‌گیرد كه در بستري نو و رها از انديشه كلاسيك نظامي بازتعريف مي‌شود. در اين رويكرد گستره نويي از دشواري‌هاي سياسي، اقتصادي، اجتماعي، فرهنگي و حتي زيست‌محيطي كه "بوزان" و "ويور" نيز در مطالعه‌های خود بدان‌ها اشاره داشته‌اند مورد مطالعه قرار مي‌گيرد. اين گستره نوين، پيوستاري از نيازمندي‌ها را بازنمايي مي‌كند كه تنها با تدبيرهاي نظامي دست‌يافتني نيستند، بلكه در چارچوپ خواست‌هاي نوين شهروندان معاصر در بُعدهای ملي و فراملي بازتعريف مي‌شوند. در امنيت، تلاش براي شناسايي پيوستار نوین نيازمندي‌ها و تشخيص درست آنهاست. دستيابي به درجه‌هاي اطمينان‌بخش و قابل اتكايي از امنيت نيازمند درك و فهم پنداشت سنتي و نوين از مفهوم امنيت ملي و شاخص‌هاي وابسته به آن است (عباس‌زاده و كرمي، 1390).

تعريف عملياتي امنيت: در اين مقاله منظور از امنيت مطالعه و شناسايي امنيت در حوزه‌هاي گوناگون اقتصادي، اجتماعي، سياسي و فرهنگي است كه به كمك هم و با پيش‌بيني هر كدام از اين حوزه‌ها، امنيت مي‌تواند همه‌جانبه و براي مدت زيادي عملياتي شود. اين امنيت، از تحرك‌های همه‌جانبه قدرت‌ها در كشورها و منطقه‌هاي ديگر اثرپذیر است؛ از این‌رو، تحرك‌های آنها و همه حوزه‌ها بايد پيش‌بيني و تمهيدهای لازم براي جلوگيري از بر هم خوردن امنيت متأثر از عوامل بيرونی كنترل شود.

**7- وضعيت‌شناسي جمعيت و سياست‌هاي جمعيتي كشور**

پس از پيروزي انقلاب اسلامي در نخستين برنامه پنج‌ساله، برخي هدف‌هاي جمعيتي براي تنظيم خانواده در نظر گرفته شد. برايند اجراي برنامه كاهش، تعداد زايش‌ها از 4/6 زايش زنده به دنيا آمده در فرایند دوران بالقوه باروري يك زن در سال 1365 به 8/1 نوزاد در سال 1390 رسيد نيز در اين مدت نرخ رشد طبيعي جمعيت از 2/3 درصد به 3/1 درصد كاهش پيدا كرد. در برنامه پنج‌ساله دوم نيز تكليف‌هاي برنامه نخست در باره كنترل جمعيت و تنظيم خانواده دوباره تصويب شد كه برايند آن، نرخ باروري به وضعيتي نگران‌كننده رسيده است (احمدی، 1392).

با توجه به آهنگ پرشتاب كاهش باروري در ايران از 7/5 در سال 1365 به 24/1 در سال 1395 حركت به سوی سالخوردگي جمعيت تسريع شد و آغاز قرن پانزدهم شمسي سرآغاز فرایند رو به رشد جمعيت سالخورده در ايران است (ميرزايي و شمس، 1387، صص546- 539) به‌گونه‌اي كه پيش‌بيني مي‌شود نسبت افراد 60 سال و بالاتر به 5/14 درصد در سال 1415 و 22/0 درصد در سال 1425 برسد و در آينده نزديك شاهد انفجار سالمندي باشيم. جمعيت بالاي 65 سال تا 2050 ميلادي به حدود 21 ميليون نفر افزون مي‌شود (گزارش‌های گروه بیلدربرگ، 2011)[[6]](#footnote-6). این تعداد معادل مجموع جمعيت كنوني سه كشور اروپايي اتريش، سوئيس و نروژ است كه بنابر گزارش بانك جهاني و صندوق بين‌المللي پول هر كدام به تنهايي توليد ناخالص داخلي‌شان از ايران بيشتر است (داده‌های آماری از منابع بانک جهانی2011- 2010).

برخي از كشورهاي رشديافته بيش از 15 سال است كه با مسئله سالمندي جمعيت مواجه شده‌اند، ولي سالمند شدن جمعيت اين كشورها شيب ملايمي داشته است و در يك دوره زماني درازمدت افزايش نسبت جمعيت را تجربه كرده‌اند. براي نمونه، كشور فرانسه از يكصدسال پيش مسئله سالمندي جمعيت را به خود ديده و دگرگونی نسبت جمعيت بالاي 65 سال از 7/0 به 14/0 در يك دوره زماني 114 ساله شكل گرفته است. چنين كشورهايي كه سرعت سالمند شدن جمعيتشان كُند است فرصت كافي براي شكل‌دهي به زيرساخت‌ها و برآوردن منابع لازم به‌منظور رويارويي با اين دگرگونی‌های جمعيتي را دارند، در صورتي كه بر پایه پيش‌بيني‌هاي صورت گرفته، ايران براي رويارويي با دگرگونی‌های جمعيتي هم‌اندازه با كشور فرانسه،20 سال زمان دارد و سالمندي جمعيت ايران با شيب بيشتري روي مي‌دهد. افزايش جمعيت سالمند با توجه به علت‌هاي پذيرفتني آن با فرض هر يك از سياست‌هاي جمعيتي (كاهش، تثبيت و افزايش نرخ باروري) گريزناپذير است (قائمي، 1391). تثبيت يا كاهش نرخ باروري، افزايش شمار و نسبت جمعيت سالمند را در پي دارد. در صورت افزايش نرخ باروري هر چند سرعت افزايش نسبت جمعيت سالمند تا اندازه‌ای تعديل مي‌شود، ولي اثری بر افزايش شمار سالمندان ندارد. انتقال جمعيت از كنترل طبيعي جمعيت به كنترل ارادي را "گذار جمعيت" مي‌گويند. در وضعيت كنوني، ميزان باروري در ايران به زير سطح جايگزيني يعني به رقمي كمتر از 1/2، یعنی 24/1 رسيده است. در واقع، فرايند گذار جمعيتي، پيدايش بحران باروري يا جایگزینی نسل را در كشور بیان می‌کند که از پيامدهاي آن، گرايش ساختار جمعيت از جواني به سالخوردگي و افزايش جمعيت سالخوردگان است.

2- .390، سایت مرکز آمار ایران.

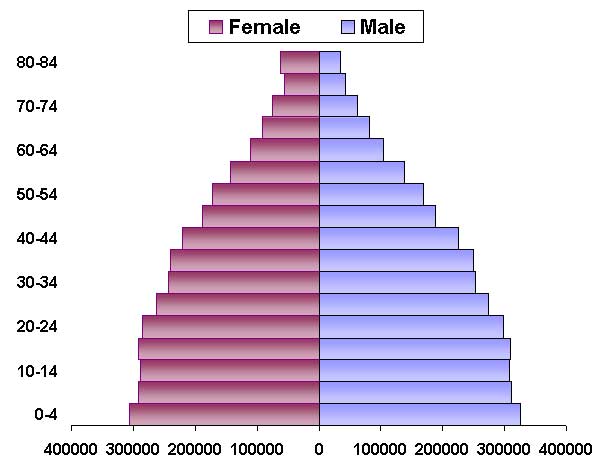
**منبع: مركز آمار ايران 1390**

**منبع: مركز آمار ايران 1387**

**[لطفا اعداد به صورت 45-1335 ..... نوشته شود]**

اين نمودار که بر پایه درصد رشد طبیعی جمعیت در ایران تهیه شده، به خوبی روند رشد را که با شرایط اجتماعی، اقتصادی و بهداشتی کشور همسان است، نشان مي‌دهد. در یک چهارم نخست سده كنوني دگرگونی افزاینده شتاب‌آلود در نرخ رشد جمعیت را تجربه كرديم که به دلیل بهبود شرایط رفاهی همچنین ایجاد امکانات بهداشتی و کنترل بیماری‌های واگیردار و کشنده در کشور به‌وجود آمد. تا نیمه سده كنوني، رشد جمعیت با همان میزان بالا ادامه یافت تا اینکه با اجرای کوتاه‌مدت برنامه‌هاي تنظیم خانواده رشد جمعیت کاهش یافت و به رقم 7/2 درصد رسید و پس از آن در فاصله دهه 1365-1355 افـزایش به نسبت شتاب‌آلود نرخ رشد جمعیت را تجربه كردیم که با سیاست‌گذاری‌هاي دولت‌هاي وقت، از آن پس رشد جمعیت كندتر شد. اين نرخ کاهش رشد جمعيت در صورتي كه ادامه يابد براي كشور نگران‌كننده خواهد بود و با مشكل بزرگ پيري جمعيت و توليد نشدن نسل نو و نيروي كار جوان، خطرهای مهمی را در پی دارد.

**نمودار 3: هرم سنی جمعیت کشور بر پایه جنسیت**



**منبع: مركز آمار ايران، 1389**

**اعداد این جدول هم فارسی شود**

**جدول1: جمعيت ايران برابر برایندهای سرشماري‌ها و برآوردهاي سازمان ملل، 2012(هزار نفر)**

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| **سال سرشماري** | **نتيجه سرشماري** | **سازمان ملل** |
| 1335 | 18954 | 19905 |
| 1345 | 25080 | 25743 |
| 1355 | 33709 | 33789 |
| 1365 | 49445 | 48275 |
| 1370 | 55837 | 56072 |
| 1375 | 60055 | 60816 |
| 1385 | 70496 | 70582 |
| 1390 | 75150 | 84799 |

**منبع: فصلنامه سياست كلان، سال سوم، ش سوم، بهار 1393**

**جدول 2: جمعيت ايران برابر تخمين سازمان ملل و سرشماري‌هاي ملي با جداسازی محل اقامت در سال‌هاي گوناگون 1390- 1335**

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| **سال** | **تخمين سازمان ملل2012** | **كل كشور** | **نقاط شهري** | **نقاط روستايي** | **غيرساكن** |
| 1335 | 19905000 | 18954704 | 5953563 | 13001141 | 243797 |
| 1345 | 25743000 | 25788722 | 9794246 | 15994476 | 709779 |
| 1355 | 33789000 | 33708744 | 15854680 | 17854064 | 347812 |
| 1365 | 48257000 | 49445010 | 26844561 | 22600449 | 363974 |
| 1370 | 56072000 | 55837163 | 31836598 | 24000565 | 211406 |
| 1375 | 60816000 | 60055488 | 36817789 | 23237699 | 104717 |
| 1385 | 70582000 | 70495782 | 48259964 | 22235818 | 115000 |
| 1390 | 7409000 | 75149669 | 53646661 | 21446783 | 56225 |

**فصلنامه سياست كلان، سال سوم، ش سوم، بهار 1393**

**8- كاهش جمعيت، سالمندي و آسيب‌هاي امنيتي**

سالمندي جمعيت يكي از مسائل عمده جمعيتي است كه امروز در جهان صنعتي شكل گرفته، اندك اندك جهان در حال رشد را نيز به خود مشغول داشته، در حال جهاني شدن است. این مسئله، گذشته از تهديدهاي عامل‌های انساني و بالا رفتن هزينه‌هاي بهداشت و درمان و اقتصاد، با فرهنگ نوگرایی غربی هم‌سو است و جامعه‌ها را در فرهنگ و سبك زندگي دشمن هضم می‌کند (سيد ميرزايي، 1386). رشد فزاينده جمعيت سالمند و پيامدهاي آن موجب شده است كه در بيشتر کشورها، سالمندي جمعيت را "مسئله اجتماعي" به شمار آورند. هرچند رو در روییِ كشورهاي گوناگون با پديده سالمندي جمعيت به‌عنوان مسئله اجتماعي به نسبت پيشرفت‌يافتگي، با جلوزدگی و عقب‌ماندگی همراه است، ولي افق‌هاي آتي بيان‌گر رويارویيِ جامعه‌هاي گوناگون با اين مسئله است. بر پایه برآیندهای سرشماري‌ها، نسبت جمعيت 60 سال و بالاتر كشور از 6/6/0 در سال 1375 به 2/8 /0 در سال 1390 رسيده است و برابر پيش‌بيني در سال 1425 به 22/0 خواهد رسيد. با اين وصف در آينده نزديك شاهد انفجار جمعيت سالمندي خواهیم بود و بار تكفل اقتصادي جمعيت سالمند به‌شدت بر جامعه فعال كشور فشار خواهد ‌آورد.

نبود نشاط و تحرك لازم مشكلات اقتصادي، اجتماعي و بهداشتی و درماني را در پي دارد. از سوی ديگر، پيشرفت و رونق اقتصادي و همين‌طور پويايي و بالندگي در حوزه‌هاي گوناگون وابسته به نيروي جوان و كارآمد است. با كاهش و رشد منفي جمعيت، نشاط و سرزندگي از جامعه رخت برمی‌بندد، چرا كه جوانان مايه پويايي و سرزندگي جامعه‌ها به‌شمار می‌روند و بيشتر نوآوري‌ها، خلاقيت‌ها نيز جهش‌هاي اجتماعي، سياسي و اقتصادي با نيروي جوانان بروز پيدا مي‌كند. در جامعه پير، دولت‌ها و صاحبان سرمايه، احساس خطر مي‌كنند، نااميدي بر جامعه سايه مي‌افكند و جامعه با شتابی زياد به سوی از بین رفتن حركت مي‌كند. "ژاك شيراك" نخست‌وزير اسبق فرانسه براي كشورهاي اروپايي پيش‌بيني كرد: اروپا در حال از بین رفتن است و به‌زودي اين كشورها از جمعيت جوان و خلاق خالي مي‌شود (روح‌افزا، 1393).

به همين دليل، بعضي كشورهاي بزرگ از جمله كانادا، به‌گونه جدي روي برنامه مهاجرت‌پذيري، سرمايه‌گذاري كرده‌اند. در حال حاضر، ايالت كبك[[7]](#footnote-7) در كانادا حمايت از فرزندآوري را آغازكرده است. در اين ايالت براي نوزادان 7500 دلار نقد در نظر گرفته شده است (ببل، 1384، صص38-28). كاهش جمعيت و رشد منفي آن افزون‌بر پيري، حركت به سمت و سوي انقطاع نسل بشري و جامعه‌هاي پير را در پي دارد. این در حالی است که آموزه‌هاي برگرفته از معرفت‌های ناب اسلامي در قرآن و روايت‌های اهل بيت(ع) بر ازدواج، باروري و بازسازی نسل‌ پافشاري دارند.

بالارفتن هزينه‌هاي جامعه براي عرضه خدمات بهداشتي و درماني و... به جامعه سالمندي از معضل‌های ديگري است كه جامعه پير با آن مواجه و هزينه‌هاي زيادي بر دوش اقتصاد جامعه تحميل مي‌کند. از سوی ديگر، جامعه پير تكفل و بار اقتصادي زيادي بر دوش جمعيت فعال جامعه مي‌گذارد.

**9- آسيب‌هاي ناشي از باروري اندك و كاهش جمعيت**

سير نزولي رشد جمعيت در كشور پس از سرشماري سال 1385 بسيار نگران كننده بوده است و پنج‌سال پس از آن، آمارهاي جمعيتي سرشماري سال 1390 نشان مي‌داد كه نرخ فرزندآوري در خانواده‌هاي ايراني به مرزی هشداردهنده‌ و به اندازه كمتر از "جايگزيني باروري" رسيده است. بخش جمعيت اداره اقتصادي و امور اجتماعي سازمان ملل متحد در بازبيني سال 2010 م پيش‌بيني‌هاي آينده‌نگرانه‌اي از روند دگرگوني‌هاي جمعيتي ايران در چهار دورنما ترسيم كرده است كه در نگران‌كننده‌ترين دورنما، جمعيت ايران در سال 1405 به اوج خود يعني، 79 ميليون نفر مي‌رسد و پس از آن، رشد منفي پيدا مي‌كند و در سال 1450 به 56 ميليون نفر و در سال 1480 به 31 ميليون نفر كاهش پيدا مي‌كند (جوکار، 1393، صص52و53). همچنین اين جمعيت كيفيت لازم را ندارد و بخش زيادي از آن سالمندان هستند كه خود مشكلات گوناگونی براي جامعه به‌بار مي‌آورند.

براي همين مقام معظم رهبري(مدظله‌العالی) با صراحت دستورهای سياست جمعيتي كشور را ابلاغ نموده، از لزوم دگرگونی ديدگاه و عمل در حوزه جمعيتي صحبت كردند: «... مسئله تحديد نسل از اواسط دهه هفتاد به اين طرف بايد متوقف مي‌شد البته اولي كه سياست تحديد نسل اتخاذ شد. خوب بود لازم بود ليكن از اواسط دهه هفتاد بايد متوقف مي‌شد اين را متوقف نكرديم، اين اشتباه بود... نسل جوان را بايد حفظ كرد. با اين روند كنوني اگر ما پيش برويم... كشور پير خواهد شد و خانواده‌ها، جوان‌ها بايد توليد مثل را زياد كنند. نسل را افزايش دهند. محدود كردن فرزندانمان در خانه‌ها، به اين شكلي كه امروز هست خطا است (مقام معظم رهبری، مدظله‌العالی، 19 مهر 1391).

افزايش جمعيت عاملي براي شتاب روند پيشرفت اقتصادي[[8]](#footnote-8) به‌شمار می‌رود، زيرا مهم‌ترين نياز پيشرفت اقتصادي، وجود نيروهاي جوان و كارآمد است. كاهش جمعيت، سالمندي جمعيت را در پي دارد كه خود از رشد و پيشرفت اقتصادي جلوگیری می‌کند. به عبارت ديگر، اكنون كه كشور اسلامي با معضل و گسل كاهش جمعيت خودساخته روبه‌رو شده است مسير عقب‌ماندگي و پيشرفت نكردن در حوزه اقتصادي را دنبال مي‌كند.

يكي ديگر از پيامدهاي منفي كاهش جمعيت، آسيب‌هاي اجتماعي در حوزه‌هاي اخلاقي و تربيتي و ناهنجاري‌هاي ديگر در بُعدهاي فردي و اجتماعي است. كمي شمار فرزندان در خانواده‌ها، نظم اجتماعي و اخلاقي موجود در جامعه ما را به دليل گذار از ساختارهاي گذشته و ورود به حوزه‌ها و ساختارهاي نو دچار مشكل‌های اخلاقي و تربيتي كرده است. روحيه دگرخواهي و ايثار، از مجموعه سجایای اخلاقي جامعه رخت بر بسته، به جاي آن خودخواهي و نفع‌گرايي تندروانه جايگزين شده است. خودخواهي فرزندان هزينه‌هاي زيادي را متوجه خانواده‌ها كرده است، به‌گونه‌ای كه درآمدهاي خانواده‌ها با افزايش كار و تلاش، نيازهاي گوناگون فرزندان را برطرف نمي‌كند. در واقع، تلاش و كوشش زياد خانواده‌ها و اشتغال زنان در كنار مردان و كارهاي دوم و سوم مردان براي پاسخ‌گويي به مطالبه‌هاي فرزندان، خانواده‌ها را از محبت و توجه به نيازهاي عاطفي و خواست‌های انساني در حوزه‌هاي اخلاقي و تربيتي خالي كرده است. تركيب تك‌فرزندي و رفاه، مقوله نويي است كه موجب بروز مشكل‌های فروان شده، سلسله انتظارها و خواست‌هاي بي‌پايان، خانواده‌ها را دچار عارضه‌های رواني، اجتماعي و اقتصادي كرده است. فرزندان در چنين خانواده‌هايي با مفهوم‌های ارزشي و اخلاقي مانند قناعت، ايثار، گذشت و كمك به هم‌نوعان، صبر، شكيبايي، تحمل، مدارا و... بيگانه هستند. از سوی ديگر، پدر و مادرها نيز فرزندان را مانعی بر سر راه لذت و رفاه بيشتر خود تلقی مي‌كنند و زنان به دليل جست‌وجوي رفاه، شغل بيرون از خانه و رشد تحصيلي و... از فرزندآوري بيم‌ناك هستند.

همچنین دگرگونی‌هایی در رفتارهاي جنسي مردان و زنان به‌وجود آمده است، بدين‌معنا دستيابي پسران و دختران به ابزارهاي كنترل بارداري در سن‌های گوناگون و اطمينان از باردار نشدن، زمينه لازم براي شکل‌گیری روابط جنسي را در بيرون از چارچوب خانواده، افزايش مي‌دهد. از این‌رو، امر ازدواج كاهش یافته و سن ازدواج بالا رفته، انگيزه‌هاي ديگري نيز آمار كاهش ازدواج را بالا برده است (گاردنر ، 1386). به همين دليل جنبش اصلاح نژادي[[9]](#footnote-9)، شعار كاهش جمعيت، عقيم‌سازي، كنترل زاد و ولد و سقط جنين را به‌مثابه آرمان جهاني خود در جهت زدودن فقر و ايجاد جامعه پیشرفته معرفي كرده است. طبيعي است كه دستاوردهاي اين شعار، نويد جامعه‌اي با انديشه دستيابي به پيشرفت اجتماعي بي‌نياز از دين و اخلاق است (گاردنر، 1386، ص288).

اين اقدام‌هاي غيراخلاقي كه در سايه شعارهاي به‌ظاهر فریبای كنترل جمعيت و سقط جنين‌هاي اختياري صورت مي‌گيرد، به دست سازمان بهداشت جهاني، بانك جهاني پول و يونيسف در حال اجرا شدن در كشورهاي در حال رشد و رشدنيافته است و همه اينها آسيب‌هاي اخلاقي ناشي از كنترل جمعيت است كه دامنگير جامعه ما شده است.

ازدواج و تشكيل خانواده براي ماندگاري و ادامه زندگي نسل بشر است که برابر فلسفه آفرينش مي‌باشد. جامعه از راه ازدواج و فرزندآوري افراد و اعضایش به مسير خود ادامه مي‌دهد. اگر قرار باشد ازدواج‌ها به فرزندآوري و زاد و ولد منجر نشود و سياست راهبردي جامعه در جهت كاهش جمعيت باشد در بلندمدت جامعه نابود می‌شود. معضلي كه جامعه‌هاي غربي با آن روبه‌رو هستند و جامعه ما نيز با ادامه كاهش جمعيت در همان مسير گام مي‌نهد(حسینی تهرانی، 1364).

**10- تبيين كاهش جمعيت در حوزه سبك زندگي**

با توجه به شواهد و قرینه‌های موجود، سياست كنترل جمعيت، سياست وارداتي و استعماري است كه نظام ساختاري سرمايه‌داري به‌صورت نامحسوس آن را در جهان پي مي‌گيرد تا با يكسان كردن علاقه‌ها و انتظارهای مردم جهان زمينه‌هاي استحاله فرهنگي و جهاني‌سازي و به‌عبارت بهتر امريكايي‌سازي خود را پيش ببرد. كاهش جمعيت همچون جريان مك‌دوناليزه كردن جهان؛ يعني مصرف غذاهاي زود آماده‌شونده، نوشيدني‌هاي امريكايي، فروشگاه‌هاي سوپرماركت و چندين و چند نوع از سبك‌هاي زندگي غربي كجراهه‌اي است كه ملت‌ها را از فرهنگ و هويت ملي‌شان دور می‌سازد و آنها نادانسته زندگي انسان‌مدارانه و پوچ غربي را در پيش مي‌گيرند.

پيروي از سياست‌هاي جهاني و قرار گرفتن در مسير هنجارهاي غربي، مانند فرزند كم و مبارزه با افزايش جمعيت، خطرهاي رشد منفي جمعيت و پير شدن جمعيت را به دنبال دارد، پديده‌اي كه اكنون بسياري از كشورهاي پيشرفته از آن رنج مي‌برند. البته كم فرزند داشتن خانواده‌ها در كشورهاي پيشرفته ناشي از صنعتي‌شدن و نوگرايي است نه توصيه و برنامه‌ريزي دولتمردان.

برخي كشورها دچار كمبود جمعیت هستند. تبليغاتي كه در اين زمينه‌ها مي‌شود بيشتر ريشه استعماري دارد. اروپايي‌ها به حد نصاب جمعيتشان رسيده‌اند و چون از منابع و منافع كشورهاي آسيايي و آفريقايي بهره مي‌برند، طرفدار کاهش جمعیت در آسيا و آفريقا هستند تا بهتر بتوانند بهره‌كشي كنند (مطهری، 1370).

يكي ديگر از هدف‌های دشمنان از كاهش جمعيت در كشور ما، كاهش جمعيت مسلمانان به‌ويژه جمعيت شيعيان براي چیرگی بر آنهاست. مگر در مدت جنگ تحميلي نديديم كه دنياي صهيونيزم و استكبار امريكا با تحريم اقتصادي، دروازه‌ها را به روي ايران مسدود كرد و حتي دارو و ابزارهای جراحي را از مجروحان جنگي دريغ كرد. با آنكه در همه جهان هلال احمر وظيفه دارد براي مجروحان غذا و دارو تهيه كند و كسي نمي‌تواند از آن جلوگيري كند ماه‌ها و سال‌ها مجروحان ما براي عمل جراحي شدن نخ بخيه نداشتند و از بين مي‌رفتند. در همان حال، آمپول‌هاي ضدبارداري كه قيمت بالايي نيز داشتند به رايگان به زنان تزريق مي‌شد و صندوق جهاني پول، وسايل پيشگيري از بارداري را به رايگان به دورترين روستاهاي ايران گسيل مي‌كرد (حسینی تهرانی، 1364).

بي‌تردید، كاهش جمعيت در ايران، ناشي از عوامل و انگيزه‌هاي گوناگون خرد و كلان است ولي اثرگذاري نوگرايي به معناي اشتياق به زندگي لوكس غربي و به عبارت بهتر سبك زندگي غربي در لايه‌هاي گوناگون زندگي فردي، خانوادگي و اجتماعي ايرانيان، به‌مراتب بيشتر از عامل‌هاي ديگر است. انسان‌شناسي و هستي‌شناسي پنهان در سبك زندگي غربي كه فضا و جهت زندگي آنها را مي‌سازد بر انسان‌محوري و سكولار بودن بنا نهاده شده است. در سطح فردي و جمعي اين برداشت و فرهنگ ذهني در فضاي خواست و نيت آنها قرار دارد كه خوشبختي و سعادت را در لذت دنيوي و به شكل فردگرايانه دنبال كنند. در همين راستا، آنها كاهش اعضای خانواده و كنترل باروري و كاهش زاد و ولد را براي نفع خودگرايانه‌شان پي مي‌گيرند. اين جهت‌گيري به شكل‌هاي گوناگون در كاهش جمعيت كشورمان اثرگذار بوده است (حسینی تهرانی، 1364).

بر پایه اين ديدگاه، وجود فرزند زياد، هزينه‌هاي بسياري را دربردارد. فرزند زياد داشتن توجيه اقتصادي ندارد. با اين نگاه، فرزند كمتر و زندگي بهتر تفسير انسان‌مدارانه پيدا مي‌كند. فرزند از سوي ديگر نياز به مراقبت دارد از حيث زمان و فرصت محدوديت‌هايي را بر پدر و مادر به‌ويژه مادر وارد مي‌كند و او را از فضاي كار و شغل دور مي‌سازد و رفاه و آسايش مورد نظر پدر و مادر را اندك مي‌كند و همين‌گونه مانع كاميابي آنها و پديده‌ای مزاحم است (تارنمای اصلی، مركز امور زنان و خانواده نهاد رياست جمهوري، 1388، ص58).

مصرف‌گرايي، هزينه‌ها را افزايش مي‌دهد. با اين فضاي ذهني وجود فرزند زياد هزينه‌هاي خانواده را بالا مي‌برد. اين با هدف‌های مصرف‌گرايانه خانواده‌ها و افزون‌سازي بهره‌مندي از زندگي همراه نيست (افشار كهن و صادقي، 1385). خانواده‌ها ترجيح مي‌دهند فرزند كمتري داشته باشند براي اينكه هزينه‌ها را كاهش داده، از رفاه و لذت افزون‌تري برخوردار باشند. اين باور موجب كاهش سطح باروري و در نتيجه سير کاهشی رشد جمعيت شده است (همان، 1388، ص59).

از سوی ديگر، سن ازدواج رابطه‌ای تنگاتنگ با بُعد خانواده دارد. زناني كه در سن‌ بالاتر ازدواج مي‌كنند در صورتي كه خودشان هم بخواهند نمي‌توانند فرزندآوري زيادي داشته باشند به دليل اينكه سن باروري زنان از 15 سالگي شروع مي‌شود. زناني كه در سنین 30 سال و بيشتر ازدواج مي‌كنند بخش بزرگي از سال‌هاي باروري‌شان را از دست می‌دهند چراكه پايان دوران باروري در 45 سالگي است. افزون بر آن توان و كيفيت باروري در سال‌هاي نوجواني و جواني بهتر است. آمارها بيان‌گر آن هستند كه ميانگين ازدواج زنان در سال 1345، 4/18 بوده در سال 1385 به 2/23 افزايش پيدا كرده است. اگر چه عامل‌هاي گوناگوني در تبيين اين پديده نقش دارند ولي فرهنگ و سبك زندگي تقليدي از غرب و كاهش جمعيت هم يكي از موج‌های چنين تهاجمي است که بر انگيزه‌هاي بهره‌مندي بيشتر از زندگي و جست‌وجوي خوشبختي در فردگرايي و پرهيز از جمع‌گرايي و در نتيجه خانواده كم‌جمعيت، با فرزندان كم يا بدون فرزند پافشاري دارد. جست‌وجوي دستيابي به خوشي‌هاي بيشتر و لذت از زندگي بر دسترسي بر همه امكانات و رفاه زندگي در آستانه زندگي پاي مي‌فشارد و در چنين فضايی آرزوي فرزنددار شدن محال است.

طلاق به اين دليل كه در باروري وقفه ايجاد مي‌كند از نظر سياست‌هاي كاهش جمعيت تأمل‌پذیر است. افزايش آمار طلاق در ايران از عارضه‌های جاي‌گيري انديشه‌هاي نو و فردگرايانه در ايران است. طلاق كه روزگاري زشت و زننده بود امروز با جشن و خوشامدگويي روبه‌رو شده است (همان، 1388، ص61). انديشه‌اي كه در گذشته مادر شدن را پديده‌اي مبارك و ستودني مي‌دانست در جريان نفوذ سبك زندگي فردگرايانه و نو، رنگ باخته است.

زنان با بينش انسان‌مدارانه در راستاي منفعت‌هاي شخصي‌شان و به دنبال كسب استقلال مالي از مردان هستند تا اقتدار پيدا كنند و در عرصه رقابت با مردان توانا شوند. براي همين در بيرون از خانه در جست‌وجوي كار و درآمد از فرزندآوري گريزانند، چرا كه فرزندآوري آزادي و تحرك آنان را كم كرده و محدوديت‌هاي مالي براي‌شان ايجاد مي‌كند و از پيگيري طرح‌ها و برنامه‌هايشان باز مي‌دارد، يعني انديشه و سبك زندگي زن‌مدارانه جايگزين فرهنگ ديني و اسلامي شده است. اشتغال زن‌ها، موجب كاهش وابستگي اقتصادي آنها مي‌شود، از اين‌رو ميل برخي زنان براي مادر شدن كاهش پيدا كرده، فرزند نداشتن يا تك‌فرزندی امتياز به‌شمار مي‌رود. در نتيجه كاهش نرخ باروري مي‌تواند گوياي كاهش ارزش‌هاي فرزندآوري باشد. بدين‌گونه جايگزيني فرهنگ و سبك زندگي غربي را به جاي فرهنگ اسلامي شاهد هستيم. ارزش‌هاي ديگري كه بيان شد چون آزادي، فردگرايي، اشتغال، رفاه و لذت... جملگي ماهيت فرهنگ انسان‌مداري دارند و از شاخص‌هاي توسعه در دنياي نو به‌شمار می‌روند، ولي انقلاب اسلامي به دليل گوناگونی ديدگاه و جهت با انديشه‌هاي غربي رو به سوي ارزش‌هاي متعالي دگرخواهي، ايثار، گذشت، قناعت و دوري از اسراف و تبذير دارد. با اين نوع تبيين‌ها بايد متوجه شدت تهاجم فرهنگي دشمنان بود و جلوي هضم شدن در فرهنگ غربي را گرفت.

**11- تبیین نقش استعمار و صهیونیسم در کاهش جمعیت ایران**

در دیدگاه پژوهش‌گران امریکایی افزایش جمعیت در کشورهای در حال پیشرفت نه تنها برتری سیاسی امریکا را به خطر می‌اندازد، بلکه از توسعه جهانی لیبرالیسم جلوگیری می‌کند. پیش از انقلاب اسلامی، "ستاره فرمانفرمایان"، دختر یکی از شاهزادگان قاجار، نخستین فردی بود که در دوران پهلوی شعار "فرزند کمتر زندگی بهتر" را سر داد و مأموریت‌های جمعیتی سازمان ملل را در مصر، عراق و لبنان دنبال کرد. این در حالی بود که در آن زمان به خانواده‌هایی که فرزند زیاد تا 17 بچه داشتند جایزه می‌دادند.

برپایه آمارهای موجود، در سال 1373 نرخ رشد جمعیت کشور بهنجار بود و نیازی به کاهش جمعیت نبود و ارسال کمک‌ و بودجه از سوی بیرونی‌ها پذیرفتنی پذیرفته نمی‌شد، اما این بودجه هدفمند وارد ایران شد که با هجمه‌های فرهنگی غرب، در بهداشت باروری و کنترل جمعیت هم‌سو بود و بدبختانه در آن دوره وزارت بهداشت تبلیغات گسترده‌ای برای کنترل جمعیت انجام داد (خبرگزاري فارس، 15 اسفند 1388، خبر شماره 881250226). واقعیت‌های تاریخی نشان می‌دهد که پایه شکل‌گیری برنامه‌های تنظیم خانواده همواره با پشتیبانی سازمان ملل و قدرت‌های بزرگ جهان از جمله امریکا همراه بوده، با برتری‌طلبی قدرت‌های بزرگ جهانی آغاز و با گذشت زمان، شکل کمک‌های بشردوستانه و رفاهی و توسعه‌ای به خود گرفته است. تجربه دوره‌های گوناگون روابط بیرونی ایران با جهان غرب، این ادعا را ثابت کرده است که راهبرد نظام سلطه غرب در رو در رویی با منافع ملت ایران، تبدیل فرصت‌ها به تهدید بوده است.

در بحث کنترل رشد جمعیت کشور در سال‌های پس از جنگ تحمیلی که در متن برنامه نخست توسعه کشور گنجانده شد، برنامه‌ریزان و ناظران برنامه‌های کلان از این موضوع غفلت ‌‌کردند که دشمنان نظام جمهوری اسلامی همواره در کمین تبدیل فرصت‌های ملت ایران به تهدید هستند. در جهت‌دهی پنهان دگرگونی‌های جمعیتی در مسیر منافع قدرت‌های مرکز، همین بس که برژینسکی نظریه‌پرداز امریکایی معتقد بود فکر کردن به حملة پیش‌دستانه به تأسیسات هسته‌ای ایران درست نیست و گفت‌وگوها با تهران در بلند‌مدت باید انجام گیرد، چون آمارهای جمعیتی و دگرگونی نسل در ایران به نفع رژیم کنونی نیست. بنابراین، درست کردن فرایند اشتباه‌های گذشته ضرورتی گریزناپذیر است (همان).

سران مجمع‌های پنهان جهانی همانند مؤسسه سلطنتی امور بین‌الملل، شورای روابط بیرونی، جامعه بیلدربرگرها، کمیسیون سه‌جانبه فراماسونری، باشگاه رم و کمیته 300، با طرح‌ها و برنامه‌های گوناگون زمینه‌های نفوذ و اقتدار نظام سلطه بر مناسبت‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی ملت‌های جهان را فراهم آورده‌اند و سرنوشت ملت‌ها و کشورهای مستقل جهان را به خواست خود دگرگون می‌کنند. یکی از نمونه‌های آشکار دخالت مجمع‌های پنهان در سرنوشت ملت‌های دیگر موضوع کاهش و کنترل جمعیت جهان است. این مجمع‌ها برای گسترش چیرگی خود بر جهان، از سال‌ها پیش موضوع کاهش جمعیت جهان را در دستور کار قرار داده‌اند و این موضوع را از راه‌های گوناگون پی می‌گیرند.

"سرواندو گونزالز"، نویسنده کوبایی- امریکایی در مقاله‌ای در باره تلاش باشگاه میلیونرهای امریکایی برای کاهش جمعیت جهان می‌نویسد: «یک روزنامه انگلیسی، به نقل از یک فرد ناشناس که در جلسه میلیونر امریکایی‌ها شرکت داشته است، گزارش کرد که در این جلسه بر سر این نکته توافق شد که آنها باید راهبردی پیشه کنند که در آن، از رشد جمعیت به‌مثابه یک تهدید زیست‌‌محیطی، اجتماعی و صنعتی بالقوه فاجعه‌بار جلوگیری شود» (همان). در نشست سال 2011 بیلدربرگ که از 9 تا 12 ژوئن (19 تا 22 خرداد 1390) در "سنت موریس" سوئیس برگزار شد، بر افزایش جنگ و کشتار به‌ویژه در منطقه خاورمیانه برای کاهش جمعیت رو به افزایش جهان پافشاری شد (بیلدربرگ، 2011).

**الگوی (مدل) مفهومی پیامدهای فرهنگی و امنیتی ناشی از کاهش جمعیت**

آسیب‌شناسی

فرهنگی

اجتماعی

امنیتی

کاهش جمعیت

پیری جمعیت

کم‌باروری

سبک زندگی

پیامدسنجی

**12- نتيجه‌گیری**

مهم‌ترين عامل براي رشد و پيشرفت در زمينه‌هاي گوناگون اقتصادي، اجتماعي، سياسي امنيتي و فرهنگي افزايش جمعيت و به عبارت بهتر عامل انساني فعال، كارآمد و جوان است. كاهش جمعيت، پيري و ناتواني جمعيت را در پي دارد. به عبارت ديگر در وضعیت‌ كنوني كه جامعه اسلامي با معضل كاهش جمعيت مواجه است چشم‌اندازی مناسب از رشد و پيشرفت وجود ندارد. پيري جمعيت با خمودي، سستي، بيماري و مرگ همراه است و نشاط و شادابي از جمعيت رخت برمي‌بندد، نااميدي در جامعه افزايش پيدا مي‌كند و هزينه‌هاي جامعه براي گرفتن خدمات بهداشتي، درماني و... بالا مي‌رود و سرباري جمعيت بر دوش جمعيت اندك فعال جامعه مضاعف مي‌شود. به‌طور معمول جمعيت‌شناسان موافق كاهش جمعيت، به فقر و پرجمعيتي خانواده‌ها مي‌انديشند، ولي به آسيب‌هاي اخلاقي و تربيتي در خانواده‌هاي كم‌جمعيت توجه نكرده‌اند. مقوله تك‌فرزندي و جست‌وجوي رفاه، مشكلات گوناگوني را در پي دارد. كودكان خانواده‌هاي كم‌جمعيت به‌ويژه تك‌فرزندها، همواره خواست‌ها و انتظارهای بي‌پاياني دارند كه بخش بزرگي از آنها برآورده مي‌شود. بنابراين آنها با مفهوم‌هايي ارزشي و اخلاقي مانند دگرخواهي، ايثار، قناعت، گذشت، كمك به هم‌نوعان، صبر، شكيبايي، تحمل، مدارا... بيگانه‌اند. از سوي ديگر، به دليل فرهنگ و شخصيت فردگرايانه به دنبال رفاه و لذت هستند. با اين رويكرد پدر و مادرها، فرزندان بيشتر را مزاحم مي‌دانند. در نگرش ديني، اخلاق قناعت‌محور، ايثار، گذشت، هم‌ياري، كمك به هم‌نوعان، كار و تلاش براي راحتي ديگران و ساير ارزش‌هاي اخلاقي ارزشمند هستند و رفاه و لذت مادي در درجه دوم اعتبار و اهميت قرار دارد؛ از این‌رو، سياست‌هاي كاهش جمعيت از اين ديدگاه و پيدايي خانواده‌هاي تك‌فرزند مناسب ارزيابي نمي‌شود (ببل، 1384، ص287)، زیرا كنترل جمعيت و جمعيت هسته‌اي‌شده و به‌ويژه تك‌فرزندي ناشي از پيگيري رفاه و لذت مادي است و اين نهايت آرمان اسلام نمي‌باشد ولي بيشتر برنامه‌هاي توسعه انساني در غرب بر پايه رفاه مادي و لذت‌گرايي نهاده شده است. آرمان اسلام بر پايه دگرخواهي و كمك به هم‌نوعان قرار دارد. چنين خواست‌هايي از زندگي، دگرگوني‌هايي را در رفتارهاي جنسي مردان و زنان به‌بار مي‌آورد. دستيابي دختران و پسران در سن‌های گوناگون به ابزارهاي كنترل زاد و ولد، اطمينان از باردار نشدن، زمينه لازم براي پاسخ‌گويي به نيازهاي جنسي را در بیرون از چارچوب خانواده به‌همراه دارد و افزون‌بر آن سياست كاهش جمعيت دستاويزی مناسب براي سقط جنين و دفاع از آن به‌شمار می‌رود (ببل، 1384، ص287).

در چنين جامعه‌اي، عقيم‌سازي، كنترل زاد و ولد و سقط جنين، آرمان جهاني براي رفع فقر و ايجاد جامعه مرفه معرفي مي‌شود. چنين جامعه‌اي بدون نياز به دين با دستاوردهاي ناشي از كاهش جمعيت در پي پيشرفت‌هاي فردگرايانه با پرچم پيشرفت اجتماعي است. مخالفان سياست كنترل جمعيت، باور دارند كه كنترل جمعيت با فلسفه ازدواج در تناقض است. توليد مثل و داشتن فرزند زياد در اسلام آرمانی است و كمبودها و مشكلات اقتصادي زاييده ناتواني دولت‌ها در برنامه‌ريزي درست است. با توجه به شواهد و قرینه‌های موجود سياست كنترل جمعيت، سياست استعماري است كه پيروي از سياست‌هاي جهاني و تشويق مردم به هنجارسازي برابر سبك زندگي و كيفيت زندگي غربي در جهت فرهنگ‌پذيري، هم‌نوايي و شبيه غربي‌ها شدن در حوزه فرهنگ و ارزش‌هاست؛ سياست زيركانه‌اي كه با خواست خود ملت‌ها و با برنامه‌ريزي و هزينه‌هاي خودشان در پي استحاله فرهنگي و هضم در دنياي غربي مي‌شوند و استعمار نويني كه ملت‌ها ناآگاهانه نقش فرهنگي دشمن را دروني كرده و دچار از خودبيگانگي شده‌اند.

کاهش جمعیت جوان، به معنای کم شدن شمار نیروهای توانمند برای دفاع از اقتدار، امنیت و تمامیت زمینی کشور است و این موضوع برای کشوری با ویژگی‌‌های نظام جمهوری اسلامی ایران که همواره در تیررس تهدیدهای فزاینده نظام سلطه و جهان استکبار قرار دارد، بسیار خطرساز است.

در همین زمینه، رهبر معظم انقلاب با کاهش جمعیت در زمان حاضر مخالف بوده، در این زمینه می‌فرمایند: «من معتقدم که کشور ما با امکاناتی که داریم می‌تواند صد و پنجاه میلیون نفر جمعیت داشته باشد. من معتقد به کثرت جمعیتم. هر اقدام و تدبیری که می‌خواهند برای متوقف کردن رشد جمعیت انجام بگیرد، بعد از صد و پنجاه میلیون انجام بگیرد» (مقام معظم رهبری، مدظله‌العالی، 16 مرداد 1390).

بنابراین، نمی‌توان به یک‌باره افزایش یا کاهش جمعیت را سرلوحه جامعه قرار داد. در این خصوص، توجه به زمینه‌ها و زیرساخت‌ها، وضعیت بوم‌شناختی، اقلیمی و تنوع آب و هوایی، تولیدات و فرآورده‌های کشاورزی و صنعتی، نیروی کار و فرهنگ کار و... امری ضروری است. از این‌رو، ممکن است در دوره‌ای افزایش جمعیت امری پسندیده و در دوره‌ای دیگر کاهش آن امری پذیرفتنی باشد.

با توجه به دلیل‌ها و شاهدهای موجود، سیاست کنترل جمعیت، سیاستی استعماری است. پیروی از سیاست‌های جهانی و سفارش و ترغیب پیوسته و هنجارسازی برای داشتن فرزند کم و نفی افزایش جمعیت، خطر رشد منفی جمعیت و پیر شدن جمعیت را به دنبال دارد؛ پدیده‌ای که اکنون بسیاری از کشورهای غربی از آن رنج می‌برند (روح‌افزا، 1393).

در حال حاضر، هرم سنی جمعیت کشور ما بیان‌گر جوان بودن جمعیت است. برخوردار بودن از این نیروی جوان می‌تواند فرصتی طلایی و توانمندی در چرخه پیشرفت و عامل پیش‌برنده رشد اقتصادی به‌شمار آید. اما اگر تدبیر کارآمدی برای بهره‌گیری از این شاخص اثرگذار در تولید نباشد، این فرصت به تهدیدی برای نظام اجتماعی تبدیل می‌شود.

**13- پيشنهادها**

- ابعاد هستي‌شناختي، انسان‌شناختي و معرفت‌شناختي پشتیبان كاهش جمعيت و سبك زندگي غربي در مراكز علمي و دانشگاهي بيان گرديده، با بُعدهای هستي‌شناختي، انسان‌شناختي و معرفت‌شناختي اسلامي و ديني مقايسه شود.

- ارزش‌هايي چون دگرخواهي، ايثار، گذشت، قناعت، صرفه‌جويي و دوري از اسراف و تبذير در تريبون‌هاي گوناگون در مسجدها، منبرها و مدرسه‌ها و دانشگاه‌ها و در چارچوب برنامه‌هاي رسانه‌اي بازگويي شود.

- خواست دشمن براي تغيير ماهيت، هويت، فرهنگ، كيفيت و سبك زندگي غربي در جامعه‌های ديگر با شاهدها و قرینه‌ها بازگويي شود.

- آثار و پیامدهای ناشي از پيري جمعيت بر جامعه و خانواده‌ها تشريح و تبيين شود و بر اجر و ثواب باروري و زايش با استناد به قرآن و روایات پافشاری گردد.

- در ساختن فيلم‌ها، نمايش سريال‌ها و برنامه‌هاي راديويي و تلويزيوني اشاعه فرهنگ ديني و اسلامي سرلوحه كار قرار گیرد. امروز نمايش‌هاي گوناگون رسانه و الگوهايي مانند بازيگران و دیگر گروه‌هاي مرجع، الگوي سبك زندگي غربي را به‌ويژه در حوزه جمعيتي تبلیغ مي‌كنند.

- آثار و پيامدهاي ناشي از كاهش جمعيت در حوزه‌هاي اجتماعي، سياسي و امنيتي و فرهنگي در فيلم‌ها و كتاب‌ها برجسته و الگوهايي موفق از خانواده‌هاي پرجمعيت معرفي، تشويق و تأیيد شود.

- سياست‌هاي افزايش جمعيت به‌مثابه دكترين، راهبرد، چشم‌انداز و برنامه‌هاي گوناگون تصويب و عملياتي شود و مراكز بهداشتي و درماني از انجام عمل‌هاي عقيم‌سازي و... پرهیز کنند.

- پيامدهاي امنيتي ناشي از كاهش جمعيت در تركيب سني، جنسي، مذهبي و... در قالب جدول‌هایي در همه‌جا نمايش داده شود.

- اهداف دشمنان از كاهش جمعيت كشورهاي در حال رشد و مسلمان به مردم بازگويي شده، پیامدهای شوم ناشي از آن براي آنها تصويرسازي شود.

- در فيلم‌ها، نمايش‌ها، كتاب‌ها و... سياست‌هاي افزايش جمعيت به‌عنوان فضاي غالب در اولويت قرار گیرد.

**منابع**

- احمدی، علی(1392)؛ مقدمه؛ فصلنامه سياست كلان، سال سوم، ش 3، بهار.

- افشاركهن، جواد، رسول صادقي (1385)؛ تعامل جمعيت و نظام اجتماعي: رويكردي جامعه‌شناختي به مسئله جمعيت؛ انجمن جمعيت‌شناسي ايران، زمستان 1385، ش 2.

- باقرزاده، مهدي (1385)؛ فایل pdf، جزوه تنظيم خانواده.

- ببل، مك‌كين (1384)؛ تأملي درباره خانواده تك‌فرزندي؛ سياست غرب، سال اول، ش 6.

- تارنمای اصلی، مركز امور زنان و خانواده نهاد رياست جمهوري، 1388.

- جهان‌فر، محمد (1386)؛ جمعیت و تنظیم خانواده؛ تهران: جهان فرهنگی.

- جوكار، محبوبه (1393)؛ تغيير سبك زندگي و كاهش جمعيت در ايران؛ پژوهش‌نامه زنان و خانواده، بهار و تابستان، سال دوم، ش 2.

- حسینی تهرانی، سید محمدحسین (1364)؛ رساله نکاحیه: کاهش جمعیت، ضربه‌ای سنگین بر پیکر مسلمین؛ تهران: حکمت.

- رشیدی آل هاشم، سیدرکن الدین (1391)؛ نابسامانی اجتماعی و اثر آن بر جرایم اعتیاد، کجروی جنسی و سرقت در قم؛ پایان‌نامه دکتری.

- روح‌افزا، فرشته (1393)؛ پیامدهای کاهش جمعیت؛ مصاحبه با خبرگزاری فارس، 11 آبان 93، 15 اسفند، خبر شماره 881250226.

- سایت مرکز آمار ایران، نمودار متوسط رشد سالانه جمعیت کشور (1390)؛ بر پایه سرشماری 1375، 1385 و 1390.

- سایت مرکز آمار ایران، نمودار جمعیت کل کشور (1390)؛ بر پایه سرشماری‌های 1375، 1385 و 1390.

- سایت مرکز آمار ایران، نمودار باروری جمعیت کل کشور برای سال‌های 1387 و 1390.

- سرشمارهای گوناگون نفوس و جمعیت 75، 85،90 و 95، مرکز آمار ایران.

- سيد ميرزايي، سيدمحمد (1386)؛ ملاحظاتي پيرامون ابعاد سالمندي با نگاهي به تجربه ژاپن؛ فصلنامه شناخت، ش 53.

- عباس‌زاده، هادي و كامران كرمي (1390)؛ سرمايه اجتماعي و امنيت ملي؛ فصلنامه مطالعات راهبردي، سال چهاردهم، ش اول، بهار 1390، ش مسلسل 51.

-گاردنر، جان ویلیام (1386)؛ جنگ علیه خانواده؛ ترجمه معصومه محمدی، قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.

- گل‌محمدی، احمد (1381)؛ جهانی شدن فرهنگ و هویت؛ تهران: نشر نی.

- قائمي، ذبيح‌اله (1391)؛ راهبردهاي سياست‌هاي جمعيت؛ نشر مركز آمار ايران.

- مطهری، مرتضی(1370)؛ علل گرایش به مادیگری؛ تهران: صدرا.

- مقام معظم رهبری (1391)؛ بیانات در جمع مردم بجنورد در تاریخ 19/7/1391؛ ماهنامه علمی تخصصی صدای جمهوری اسلامی، سال یازدهم، ش 65.

- مقام معظم رهبری (1390)؛ به نقل از خبرگزاری فارس، خبر شماره 881250226، 16 مرداد.

- ميرزايي، محمد؛ شمس قهفرخي، مهري (1387)؛ بررسي عوامل مؤثر بر سلامت خودادراك سالمندان ايران؛ مجله سالمندي ايران.

- هرم سنی جمعیت بر پایه جنسیت در ایران (1390) سايت مركز آمار ايران.

- http://bilderberg2011.com/bilderberg-group/bilderberg-2011-plans-for-more-economic-chaos Nation U.probabilitic projection age 65 and over (thousands) .2012 27/11/2012 report N.

- Gross domestic product 2010( Internet). 2011. Available from <http://siteresources>. - Worldbank org/DATA STATISTIC/Resources/ GDP.Pdf.

- World Economic outlook Database( Internet)2010 Available from http://www.imf.org/enternal pub/ft/weo/2010/02/weodats/index. aspx.

1. استاديار جامعه‌شناسی دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسين(ع)؛ dsr.rashidi@gmail.com [↑](#footnote-ref-1)
2. -Individualistic [↑](#footnote-ref-2)
3. -Hedonistic [↑](#footnote-ref-3)
4. -Utilitarianistic [↑](#footnote-ref-4)
5. -Humanistic [↑](#footnote-ref-5)
6. . گزارش‌های گروه بیلدربرگ از برنامه‌های بی‌نظمی اقتصادی و برنامه‌های ناممکن برای 65 سال و بالاتر ملت‌ها. [↑](#footnote-ref-6)
7. Quebec [↑](#footnote-ref-7)
8. -Economical development [↑](#footnote-ref-8)
9. - good birth movement [↑](#footnote-ref-9)